

سخنی با مخاطبان

در طول سال‌های فعالیت‌م در حوزه فلسفه غرب، به ویژه فلسفه هگل، به عنوان پژوهشگر، مترجم و معلم، همواره با مسئله نیهیلیسم (اعم از نیهیلیسم معرفتی، اخلاقی، سیاسی و غیره) درگیر بوده‌ام. اما در سال‌های اخیر مواجهه‌ای تمام‌عیار با آن پیدا کردم تا جایی که در سال ۱۳۹۸ تمام مبانی معرفتی و معیارهای اخلاقی خود را غیرقابل اتکا یافتم و خود را به‌تمامی در بن‌بست دیدم، و نیهیلیسم، در تمام ابعادش، چنان بر ذهن و زیست من حاکم شد که نمی‌توانستم آن را نادیده بگیرم و به روال سابق مانند یک مترجم، مفسر، سخنران یا معلم، همچون کبک، سر در برف، به کارم ادامه دهم، چرا که هیچ رویکردی را نمی‌یافتم که حتی برای خودم قانع‌کننده یا قابل قبول باشد و زندگی‌ام را معنا ببخشد، چه رسد به اینکه آن را برای دیگران ترجمه، تفسیر یا تدریس کنم. از همین رو تصمیم گرفتم در عین اذعان به ناامیدی، ناتوانی و ضعف خودم، دست به قمار بزنم و چیزی تازه را بجویم و از همان سال ۱۳۹۸ پروژه‌ای شخصی را آغاز کردم که به تدریج چنان اولویتی برایم یافت که در تابستان سال ۱۳۹۹ خود را ناچار دیدم پس از انجام تمام تعهدات قبلی، بدون اطلاع‌رسانی صریح در خصوص پروژه‌آتی‌ام حتی برای دوستان نزدیکم، از تمام فعالیت‌های سابقم کناره بگیرم و مشخصاً روی پروژه فکری و کاری جدید در مواجهه با نیهیلیسم متمرکز شوم. همچنین ترجیح دادم به دلیل تمرکز بالایی که انجام چنین کاری نیاز داشت، این پروژه فکری را به یک معنا، به‌تنهایی، و موقتاً در نوعی انزوای خودخواسته با قطع تمامی راه‌های ارتباطی پی بگیرم. در طول این مدت توانستم طرحی کلی از راه پیش‌رو را برای خودم ترسیم کنم و بدین طریق بنا دارم همچنان طی سال‌های آینده، اگر عمر و توانی باشد، با ادامه فاصله‌گیری از حضور بی‌واسطه در فضای عمومی، در صورتبندی این طرح‌وبرنامه بکوشم. از آنجا که هر پاسخی، پاسخی همه‌جانبه است، پاسخ من نیز به مسئله نیهیلیسم به‌ناچار باید همه‌جانبه باشد و در نتیجه، خود را در قالب یک نظام جامع بیان کند، البته نه نظامی بسته و صلب، بلکه نظامی گشوده و رادیکال. همچنین کاملاً به ناتوانی خودم و احتمال شکست این پروژه واقفم، اما تنها کار موجهی که می‌توانم انجام دهم این است که بنویسم، حتی خود شکستم را. در اوایل زمستان سال گذشته، دریافتم که دستکم به فهرستی کلی از نظام مدنظرم دست یافته‌ام که البته بیشتر به برنامه‌ای بلندمدت برای تفصیل بخش‌های مختلف نظام شباهت دارد. می‌دانم ما در زبان و فضایی زندگی می‌کنیم که دستکم بیش از چهارصد سال است که یک نظام فلسفی جامع اصیل و بدیع در آن خلق نشده است و علی‌رغم ادعاهای گزاف ناسیونالیستی، نوعی عدم اعتماد به نفس و خودکوچک‌پنداری تاریخی در اذهان حاکم است. آیا واقعا خلق یک پاسخ همه‌جانبه،

یا دستکم بیان خودِ پروبلماتیک در اینجا و این زبان ناممکن است؟ از همین رو، سال گذشته نسخه‌ای ابتدایی از این فهرست را به عنوان جلد نخستِ نظام در اختیار برخی از دوستان نزدیکم قرار دادم و دستکم آنها را از برنامه خودم مطلع ساختم. با این اوصاف، علت اصلی انتشار پیام حاضر این است که اکنون پس از دریافت نظرات عمدتاً انتقادی آنها، تصمیم گرفتم با بازنویسی این متن، ویراستی تازه از آن را به عنوان ویراستِ نخستِ جلد نخستِ یک نظام فکری و عملی در عرصه عمومی منتشر کنم، آن هم با هدف فراخواندنِ تخیلِ انتقادی مخاطبان، تا نقدهایشان را، هرچه رادیکال‌تر و جدی‌تر و کوبنده‌تر در خصوص این اثر بیان کنند. این البته ابداً به معنای بازگشت به فعالیت‌های سابقم نیست. تدریس در دانشگاه و موسسات خصوصی، یا ترجمه و تفسیر و سخنرانی و نوشتن یادداشت و مقاله و غیره در حال حاضر برای من هیچ محلی از اعراب ندارند و جز در مواردی بسیار محدود که ضروری بدانم هیچ حضوری در فضای عمومی نخواهم داشت. سایت، کانال و سایر صفحاتم در فضای مجازی نیز توسط برخی دوستان اداره می‌شود. وبسایت من، شامل بخش اعظم کارهای گذشته، با آدرس ardebily.com در دسترس است و متن کامل کتابم تحت عنوان اصول مبارزه در زمانه نیهیلیسم نیز در همان جا منتشر خواهد شد. از آنجا که درباره پروبلماتیکم در مقدمه کتاب به کفایت سخن گفته‌ام، چیزی برای گفتن در این پیام نمی‌ماند، جز ابراز امیدواری به اینکه این اثر، به عنوان فهرستی از یک نظام در حال ساختن، در عرصه عمومی خوانده، فهم و به‌ویژه نقد شود.

محمد

اردیبهشت ۱۴۰۱

تهران